

بررسی و مطالعه معماری و شهرسازی آوه در دوره ایلخانیان*

آرش لشکری^۱، اکبر شریفی نیا^۲، سمیه مهاجروطن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۱۵

چکیده

شهر و شهرسازی در دوره ایلخانیان، با توجه به اسناد و مدارک مکتوب باقی مانده از این دوره چون، مبارک غازانی، تاریخ اولجایتو، جامع التواریخ رشیدی و ... و نیز آثار معماری چون شنب غازانیه، سلطانیه، ربع رشیدی و ... اهمیت بسزایی در نزد حاکمان این دوره داشته است. در ساخت و شکل گیری این شهرها، عوامل متعدد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و بویژه مذهبی دخیل بوده‌اند. آنچه که در نگاه کلی به نقشه این شهرها ذهن مخاطب را متوجه خود می‌سازد، پیروی از الگوی ایرانی ساخت شهرها یعنی سه بخش اصلی به نام کهندژ، شارستان و رض است. بررسی‌ها و کاوش‌های انجام شده در منطقه آوه در نهایت منجر به دستیابی به نمونه‌ای دیگر از چنین گرایشی به مقوله شهر و شهرنشینی در مساحت ۲۲۰ هکتار در دوره ایلخانی گردید. بدست آوردن آثار معماری از این منطقه از جمله ارگ، شارستان و نیز نوع تزئینات مختص به دوره ایلخانی از جمله کاشی کاری با تاریخ ۶۸۴ ه.ق. تاییدی بر مطالب فوق الذکر است. نوشتار حاضر به بررسی ویژگی‌های معماری و شهرسازی آوه، به عنوان نمونه‌ای نویافته از معماری و شهرسازی ایلخانیان می‌پردازد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و مطالعات آن به صورت میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱: ساختار شهر آوه چگونه است؟
- ۲: مصالح عمده معماری این شهر چه بوده؟

واژه‌های کلیدی

ایلخانیان، معماری و شهرسازی، آوه، ارگ، شارستان.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

۲. کارشناسی ارشد باستان شناسی، گرایش دوره اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناسی ارشد باستان شناسی، گرایش دوره تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس

* این پژوهش برگرفته از رساله دکتری، لشکری، آرش، ۱۳۹۲، معماری مسکونی و حکومتی و سفال زرین فام ایلخانی براساس کاوش‌های باستان شناختی منطقه تاریخی آوه، استاد راهنما دکتر حمید خطیب شهیدی، اساتید مشاور، دکتر جواد نیستانی و دکتر علیرضا هژبری نوبری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان شناسی، منتشر نشده است.

مقدمه

شهرهای دوره اسلامی همچون دوره پیش از اسلام (ساسانیان)، از سه بخش اصلی به نام کهندژ، شارستان و ربض تشکیل می‌شد. کهندژ بخش حکومتی مقرر حاکم و برخی نهادهای حکومتی بود و عموماً در وسط شهر و روی تپه‌ای طبیعی و بندرت برخاکریزی ساخته می‌شد تا از نظر دفاعی در وضع مناسبی قرار داشته باشد. شهرهایی نیز همانند نیشابور بوده‌اند که کهندژ آن‌ها در خارج از شهر قرار داشته و ربض (حومه یا بیرون) اطراف آن گسترش یافته است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۷). شارستان یا شهرستان به بخش اصلی شهر که محل زندگی مردم بود اطلاق می‌شده است. در حومه شهر مزارع و باغات و روستاهایی بوده است که به آن ربض می‌گفتند. شارستان همیشه و ربض غالباً دارای بارو و حصار عظیم بود (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۰). گاهی نیز ربض و شهرستان یکی می‌شد چنان که بخارا در قرن سوم هجری چنین شد (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۱۲۴). همانگونه که بیان گردید، در سال‌های اولیه آمدن اسلام، کهندژ، شارستان و ربض شهرهای دوره ساسانی، اجزای اصلی شهرهای اسلامی را تشکیل می‌داد. به تدریج طبق ویژگی‌هایی که شهرنشینی و شهرسازی پس از حاکمیت اسلام دارا شد تغییراتی در ساخت شهرها صورت گرفت. به عبارتی دیگر، توسعه شهرنشینی باعث گسترش حومه یا ربض شهرها شد این حومه‌ها که در زمان ساسانیان از مهاجران و روستاییان تشکیل می‌شد، از نظر شهری تکامل یافته و دارای فضاها و نهادهای شهری شد و اهمیت بیشتری نسبت به شارستان پیدا کرد (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۳: ۲۴۵). با این تفاسیر نگارندگان به دنبال بدست آوردن نمونه‌ای ملموس از چنین الگوهای شهرسازی و معماری در قرون میانه اسلامی، تپه آوه را در استان مرکزی مورد بررسی و کاوش قرار دادند. یافته‌های پژوهش عبارت بودند از بدست آوردن فضاهای معماری به صورت ارگ و شارستان و نیز تزیینات مربوط به آن‌ها یعنی، گچکاری و کاشیکاری و نیز یافته‌های سفالی و ابزارآلات فلزی و ... با بررسی‌های اولیه بر روی کاشی‌های زیرین فام این منطقه نگارندگان، متوجه تاریخ ساخت آن‌ها یعنی ۶۸۴ ه.ق که مربوط به دوره ایلخانیان بود، شدند. با بررسی‌های دیگر در معماری و تزیینات این منطقه، انتساب آن به دوره ایلخانیان قطعیت یافت؛ بنابراین، نگارندگان موفق به بدست آوردن نمونه‌ای تقریباً پابرجا از معماری و شهرسازی این دوره شدند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی عناصر کالبدی و اکتشاف سازمان فضایی شهر آوه و نوع مصالح و مواد ساختمانی آن در دوره ایلخانیان است. این پژوهش

نخستین پژوهشی است که موفق به کشف بقایایی از معماری و شهرسازی ایلخانیان آوه شده است.

روش تحقیق

این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی و مطالعات بصورت میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. مطالعات میدانی این پژوهش به شرح زیر است؛ انجام مطالعات میدانی (حفاری) و طراحی داده‌های بدست آمده از جمله تهیه پلان و نقشه‌های مورد نظر است.

پیشینه مطالعات باستان شناسی آوه

تاریخچه فعالیت‌های باستان‌شناسی محوطه باستانی آوه با کندو کاوهای انجام شده توسط اهالی محل و منطقه که در دوره قاجار یعنی زمانی که با بیشتر شدن رفت‌وآمد فرنگی‌ها، اشیای عتیقه خریداران عمده پیدا می‌کند، آغاز می‌شود. نخستین فعالیت علمی در این محوطه توسط اریک اشمیت در سال ۳۶-۱۹۳۵ صورت گرفته که ضمن پرواز بر فراز محوطه باستانی ایران، از آوه نیز عکس‌برداری کرده و آن را محوطه مهمی دانسته است، که به کاوش‌های باستان‌شناسی نیاز دارد (اشمیت، ۱۳۷۸: ۴۵). وسیع‌ترین برنامه هدفمند باستان‌شناسی در این منطقه در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۴۵ توسط آقای هوشنگ عظیم زاده طی سه فصل کاری صورت گرفته که شامل بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی دشت ساوه و زرنديه بوده است. در این بررسی مجموعاً ۲۲۳ محوطه تاریخی شامل تپه‌های منفرد شناسایی و در نتیجه کار در سیزده جلد گزارش شده است. بر مبنای این گزارش‌ها آثار مذکور شامل ۱۵۶ مورد آثار مدفون و ۶۷ اثر معماری می‌گردد. البته بخش جعفرآباد و آثار باستانی آن که شامل محوطه آوه نیز می‌گردد، در بررسی‌های آقای عظیم زاده مورد توجه قرار نگرفته است.

اسکندر مختاری در تحلیل آماری بررسی‌های آقای عظیم زاده که به صورت مقاله‌ای در سال ۱۳۷۳ در گردهمایی باستان‌شناسی شوش ارائه شده و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده، به این موضوع اشاره کرده و هفت اثر مربوط به جعفرآباد را در جدولی به انتهای جداول به بررسی‌های عظیم زاده افزوده است (مختاری ۱۳۷۶: ۳۸۱). در سالهای بعد، هیئتی به سرپرستی جناب آقای دکتر خطیب شهیدی استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۸۵ اولین فصل حفاری را آغاز نمودند و در تابستان ۱۳۸۶ دومین فصل حفاری محوطه و تپه آوه باز به سرپرستی دکتر خطیب شهیدی و معاونت دکتر آرش لشکری انجام و نتیجه آن در دو جلد گزارش کاوش منطقه تهیه شد (نقشه شماره ۱).

شهرسازی ایلخانیان

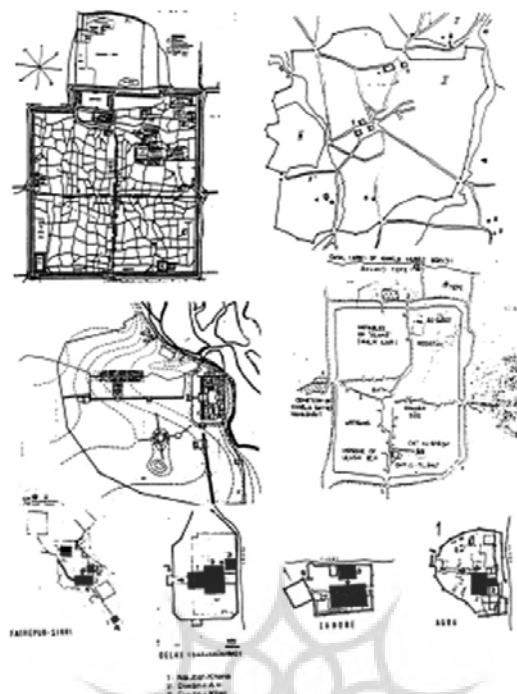
اگر چه قوانین یاسای چنگیزی و سلوک بیابان گردی مغولان حاکی از بی توجهی به شهر و ساختار شهری بود، اما حضور ایرانیان در کالبدی اداری و سیاسی این حاکمان، از همان ابتدا سران حکومت ایلخانیان را به کنار آمدن با مبانی زیست شهری کرد. بر همین اساس و با توجه به پیشینه شهرسازی ایرانیان و نیز عدم توانایی سران حکومتی در ارائه الگویی خاص به علت زندگی بیابان گردی، کالبد فضایی شهرهای ایلخانی با تبعیت از الگوی ایرانی متشکل از سه بخش "کهندژ یا ارگ"، "شارستان" و "ریض" ساخته شد (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۳). از آغاز عصر قان‌ها، نمودهایی از توجه مغولان به شهر و شهرسازی ملاحظه می‌شود. هلاکو، بنای اداره قلمرو خود را بر اساس معیارهای شهرنشینی گذاشت و نظم و ترتیب خاصی در این جهت قائل شد. از زمان غازان که عصر برتری اندیشه‌های ایران شهری بر رویکرد صحرائشینی بود، همانند همیشه تاریخ ایران شهری از اهمیت زیادی برخوردار شد. نکته مهم در خصوص فعالیت‌های عمرانی زمان غازان و البجایتو این است که اندیشه ایرانی بار دیگر فرصت ظهور یافت و در قالب پیوند دین و حکومت بهترین نمودهای معماری و توجه به فضای کالبدی شهر را از خود بروز داد (رضوی، ۱۳۸۷: ۱۲).

در این شهرها به هسته مرکزی (کهن دژ)، بیشتر پرداخته شده و در عین وجود کاربری‌های مختلف، این کل منسجم به خوبی با شهرستان تلفیق شده بود. شهرستان این شهرها، از محله‌های مختلف تشکیل یافته بود و عناصر مهم شهری مانند، بازار، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، ضرابخانه، و... در آن قرار داشتند. بافت این شهرها دارای نظم هندسی بوده و به شکل بافت شطرنجی و پیرامون دو محور اصلی، طراحی شده بود. راه‌ها از منظر طراحی فضایی، در پیوندی استوار با فضاهای کالبدی مجاور بوده و ماهیت فضایی‌شان از فضاهای مزبور مستقل و جدا نبوده است. استقرار فضاها و فعالیت‌ها در شهرها، تابع نظم و سلسله مراتب سنجیده شده متناسب با نیازهای اجتماعی (مادی و معنوی) شهروندان بود و تمامی فضاها از لحاظ کاربردی غالباً کالبد مناسبی را جهت زندگی مطلوب، بودن در محیطی با معنا برای فعالیت شایسته فراهم نموده بود. هندسه شهرهای ایلخانی و به ویژه شهرهای مهم به گونه ای بود که فضاهای شهری در امتداد خیابان‌های طولی و عرضی عمود برهم که به سان یک صفحه شطرنجی در سطح شهر گسترده بودند، شکل می‌گرفتند. در اطراف این شبکه، راه‌ها و همچنین پیرامون شهر نیز جهت محدود کردن و به نوعی شکل دادن به شهر و همچنین زیبا کردن منظر شهری باغ‌ها را پدید می‌آوردند. لذا راه‌ها و باغ‌ها به

عنوان اجزای لاینفک و اجتناب‌ناپذیر شهر ایلخانی مطرح بودند. علاوه بر باروی شهر، باغ‌های اطراف، آن‌ها را به شکل باغ شهری در آورده و حدود خارجی‌اش را محصور کرده بودند. چهارچوب این شهرها را محورهای منتهی به دروازه‌ها تشکیل می‌داد. بازار را نیز که در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه‌ای تا دروازه دیگر می‌پیمود، به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده که محلات گوناگون و همچنین عملکردها و عناصر شهری عمومی از قبیل کاروانسراها و ... پیرامون این عنصر شکل گرفته بودند. در این دوره توجه به محدوده شهر اهمیت یافت. امرا و حکام با ساختن برج و بارو به دور شهرها در سامان دهی سیاسی اجتماعی فضایی داخل شهرها همت فراوان می‌کردند (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰-۵۸).

همانگونه که بیان گردید، نکته‌ای که باید ذکر کرد این است که در شهرسازی ایلخانیان، قسمت اساسی شهر در شهرستان بود که در کنار کهن دژ قرار داشت. بازارها در درون دیوارهای شهرستان و گاهی در بیرون آن بود که در دوره اسلامی ریض خوانده می‌شد و گاهی دیوار دومی گرداگرد آن می‌کشیدند. تفاوت عمده‌ای هم که در دوره اسلامی به وجود آمد همین امر یعنی اهمیت یافتن ریض نسبت به شار است و به همین دلیل بازارهای شهر نیز به ریض کشیده می‌شدند؛ اما در دوره‌های بعدی باز تمرکز گونه‌ای دیگر به خود گرفت یعنی تقسیم حومه و مرکز حفظ شد و تراکم خدمات شهری در مرکز و خروج صنایع به سوی حومه رخ داد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۵۴).

در شار باستانی، گروه بزرگی از پیشه‌وران وظیفه‌ی تهیه‌ی ابزار، سلاح‌ها و اشیاء روزمره‌ی مورد نیاز بزرگان و درباریان را بر عهده داشتند و همین امر به آن‌ها امکان می‌داد که در جاهایی نه چندان دور از کهن دژ مستقر شوند. در ساختار این شهرها، فضاهای مسکونی را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: فضاهای برونی و فضاهای درونی. فضاهای برونی در شهرهای ایرانی در قالب شار یعنی محل اصلی شهر و حومه یا ریض دیده می‌شوند که این محل‌ها خود به محله‌های متعدد تقسیم می‌شدند و محله‌ها از تعدادی خانه (واحد مسکونی) که عموماً استقلال نسبی داشتند تشکیل می‌شدند. اساس استقرار در فضا، مبتنی بر طبقات شبه کاستی و زیرمجموعه‌های آن‌ها بود. اصولاً طبقات پایین درون شار جایی نداشتند مگر به مثابه خدمه‌ی بزرگان. شکل‌گیری اصلی محله‌ها در شهر اسلامی اتفاق افتاد که بر اساس تقسیم‌بندی‌های نژادی، قومی، دینی و خویشاوندی بود. هر محله گونه‌ای از استقلال را نسبت به دیگر محله داشت که به سبب داشتن گروهی از فضاها مثل بازار محلی، مغازه‌ها، مسجد، حمام بود (پوپ، ۱۳۸۶: ۸۷) (تصویر و شکل شماره ۱).



تصویر ۱. نمونه شهرهای دوره مغول: سمرقند، بخارا، هرات، لاهور، شاه جهان آباد و آگرا (Sobt, 1993: 30-42, 52)

نام	حدود زمانی احداث	بانی	مساحت	عملکرد فضاها و عناصر شهری	سازمان فضایی ابواب البر بر اساس متون	شکل کلی ساختار شهر
شنب غازان	پایه‌ریزی در سال ۶۹۷ هجری و عملیات ساخت در قرن هفتم هجری قمری	غازان خان	-	مقبره غازان خان، مسجد جامع، مدارس، دارالسیاده، رصدخانه، حکمیه، دارالشفاء، بیت الکتب، بیت القانون، بیت المتولی، حوض خانه، گرمابه سیبل، کوشک و باغی اعلا مرئوسوم به غادلیه	سازمان فضایی شهر متشکل از: هسته مرکزی و شهرستان بوده و محور «بازار غازانی» در امتداد دروازه بغداد بوده که در جایگیری و طراحی عناصر داخلی شنب مؤثر بوده است.	
ربیع رشیدی	قرن هفتم هجری قمری	خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی	۱۳ هکتار که تا به امروز باستان‌شناسی شده است.	قبه (مقبره خواجه)، روضه، خانقاه، دارالشفاء، دارالضیافه، بازار، عضلی، مدارس، دارالحفاظ، دارالکتب، بیت‌التعلیم ایتام، دارالمصاحف و کتب‌الحديث، قیصریه، حمام‌ها، مساجد، کارخانه کاغذسازی، رنگ‌سازی، کاروانسراها، باغ‌ها، انبارها، خرابخانه و گازرگاه و...	سازمان فضایی شهر متشکل از: «ربیع» و «شهرستان» بوده و دو محور عمود بر هم محور بازار و «ممر بزرگ» محورهای قوی سازمان دهنده در شهر بوده و سبب به‌وجود آمدن بافتی منظم شده اند.	
سلطانیه	محل سکونت طایفه ساکارت‌ها در قرن هشتم قبل از میلاد و ساخت اصلی در قرن هشتم هجری قمری	طرح‌ریزی اولیه توسط ارغون و اقدامات اصلی طراحی و ساخت توسط الجایتو	بر اساس متون تاریخی محیط پیرامونی شهر ۳۰ هزار گام	آرامگاه الجایتو (گنبد سلطانیه)، قلعه شامل یک دروازه و شانزده برج، مدارس، دارالشفاء، دارالضیافه، دارالحفاظ، دارالسیاده، مساجد، خوانق، دارالقرآن، دارالحديث، بنای کریاسی، سرای مخصوص، حمام‌ها، کاروانسراها، هشت بهشت، عمارات عالی از جمله چلبی اغلو و...	سازمان فضایی شهر متشکل از: دو بخش «هسته» و شهرستان تشکیل شده و دسترسی‌ها و محورهای ارتباطی در طول و عرض شهر، به صورت عمود بر هم و از قبل طراحی و برنامه‌ریزی شده، به شهر نظمی هندسی بخشیده بودند. بازار نیز به عنوان یک محور خطی و اصلی در شهر مطرح بوده است.	

شکل ۱. ویژگی‌های شهرهای ایلخانی (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۷)

مربوط به آوه در عهد جانشینان هلاکو، اقتدار خواجه سعدالدین آوجی است که مدتی در کنار وزیر معروف، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، سمت وزارت الجایتو را داشت. در ایام اقتدار این شخصیت شیعی کوشش بسیاری مانند بستن سد، احداث راه سنگفرش و تجدید بارو و حصار برای عمران و احیای شهر ویران شده آوه صورت گرفت، اما (باز هم روی عمران و آبادانی اولیه را نیافت و از عمارت و زیور جمعیت عاری ماند) (کاشانی، ۱۳۴۷: ۹۶). علاوه بر تضادی که در نوشتار فوق در زمینه عدم احیای شهر آوه پس از ویرانی آن در حملات اولیه مغولان در این منطقه بچشم می‌خورد؛ کاوش‌های انجام‌شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که آوه حداقل در دوره ایلخانیان و تا آخرین پادشاه آنان یعنی ابوسعید شهری نسبتاً بزرگ و آباد بوده است. کشف تاریخ ۶۸۴ ه.ق. بر روی یکی از کاشی‌های هشت پر که بر یکی از گورهای اطراف امامزاده فضل بن سلیمان نصب شده بود و کاشی‌های خشتی و هشت پر زرین‌فام همین گور و موارد مشابه آن در گورهای دیگر نشان از این دارد که شهر آوه بسیار قبل از این می‌بایست رونق قبل از حمله مغول خود را بازیافته باشد (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵: ۴۵). متأسفانه کاوش‌های انجام‌شده در آوه در حدی نیست که بتواند ویرانی آوه در حمله مغول یا عدم آن را ثابت کند. ولی آنچه که تاکنون کشف شده کاشی‌های هشت پر به تاریخ ۶۸۴ ه.ق. از اطراف امامزاده و سکه‌ای مفرغی بانام سلطان ابوسعید بهادر است که از چاه فاضلاب یک خانه مسکونی دوره مغول به دست آمد. این مدارک از جمله دلایلی است که بر طبق آن می‌توان بیان داشت شهر آوه در دوره ایلخانیان مغول از ۶۵۳ ق.م. زمان ورود هلاکو به ایران تا ۷۳۶ ه.ق. مرگ ابوسعید، از رونق و رفاه نسبی برخوردار بوده است (همان) (تصویر شماره ۲).

معماری و شهرسازی آوه

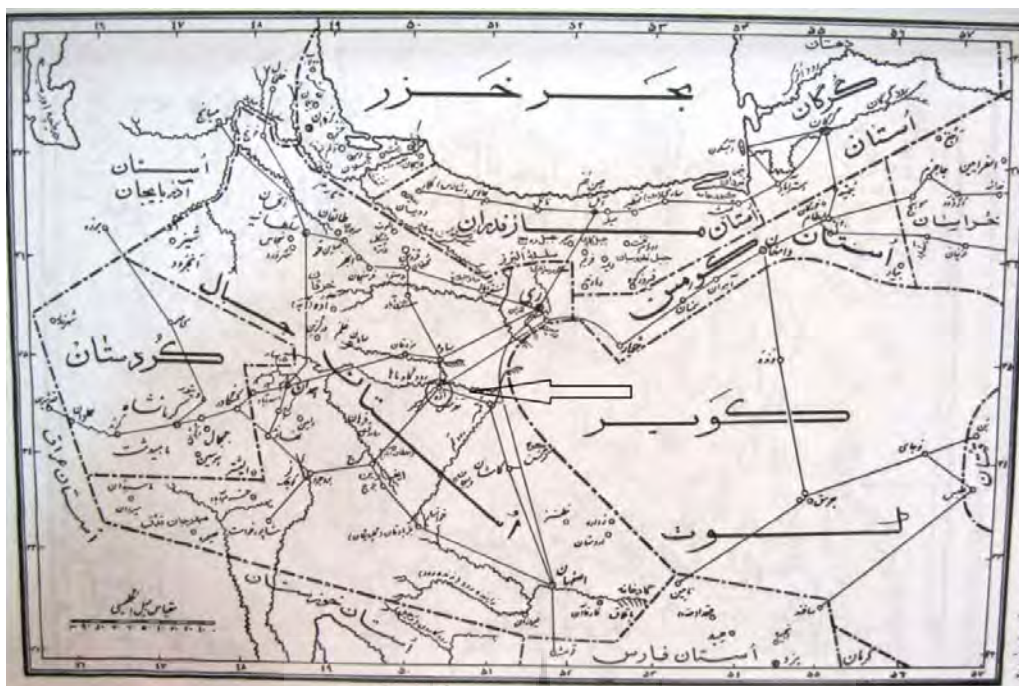
تپه آوه:

تپه‌ای است به طول و عرض ۴۰۰ متر در وسط ضلع شمالی محوطه که اهالی محل به آن قلعه خاک می‌گویند (تصویر شماره ۳)، ولی در منابع نوشتاری سازمان میراث فرهنگی کشور (ثبت) قلیچ تپه نامیده شده که برای اهالی ناشناخته و بی‌معنی است. این تپه حدود ۳۰ متر از خندق اطراف خود ارتفاع دارد و خوشبختانه کمتر از بقیه محوطه مورد تجاوز قرار گرفته است. این تپه در راس خود میدانی تقریباً مسطح و صاف دارد که با شیب بسیار تند به خندق مذکور و زمین‌های اطراف ختم می‌شود.

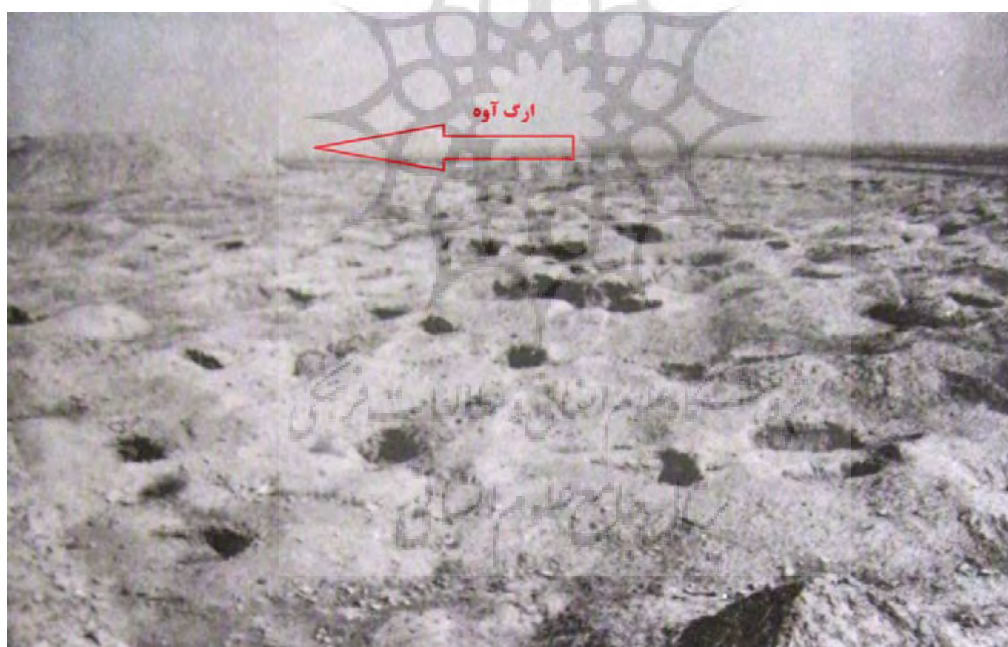
جغرافیای طبیعی و تاریخی آوه

از شهرستان ساوه که ۲۴ کیلومتر به سمت سلفچگان برویم، جاده ای فرعی به طرف قم جدا می‌شود که به جاده جعفرآباد - قم معروف است. روستای آوه^۱ در شش کیلومتری این جاده قرار دارد (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). یکی از مهمترین آثار تاریخی شهرستان ساوه تپه‌های تاریخی آوه است که در ۴۰ کیلومتری جنوب شرق ساوه قرار گرفته‌اند (سعیدیان، ۱۳۸۳: ۵۶).

با توجه به اینکه شهر قم در همان قرن اول هجری سکونتگاه چند قبیله عرب مسلمان و همچنین اولین و اصلی‌ترین پایگاه تشیع در ایران و منطقه بوده، آوه که در فاصله کمتر از پنجاه کیلومتری قم قرار گرفته و هیچ مانع طبیعی نیز این دو را از یکدیگر جدا نمی‌کرده، به سرعت از دین اسلام تبعیت کرده و به شهادت منابع مختلف، به دومین پایگاه تشیع در ایران تبدیل شد (الویری، ۱۳۷۹: ۵۰). البته در منابع مربوط به دو قرن اول هجری نامی از آوه به میان نیامده، ولی از قرن سوم ه.ق. این شهر مرکز توجه حکام زمانه و دیگران، به خصوص شیعیان قرار گرفت. در منابع قرن چهارم که در سال ۳۷۲ ه.ق. تألیف شده، آمده است که: (ساوه و آوه ... شهرک‌هایی اند انبوه و آبادان و با نعمت بسیار و خرم و هوای درست بر سر راه حجاج خراسان) (حدود العالم، ۱۳۵۳: ۱۴۲). در متون تاریخی شهرهای شیعه‌نشین دوره آل بویه را که با توجه به شیعه بودن این سلسله حکومتی در شرایط مناسبی قرار داشتند، چنین فهرست کرده‌اند: قم، کاشان، کرج، ابودلف، آوه، تفرش، فراهان و شهری به نام ارم در مازندران نزدیک ساری (نقشه‌های شماره ۱). چنین به نظر می‌آید که با وجود سنی بودن شاهان سلجوقی و حمایت آنان از اهل سنت، آوه شیعه‌نشین هر چند رونق دوره آل بویه را نداشته ولی اهمیت خود را از دست نداده است. کتاب مسالک الممالک نیز که در این دوره تألیف شده (قرن پنجم و ششم ه.ق.) در ذکر اقلیم‌های مختلف آنجا که به ذکر دیار کوهستان پرداخته و نقشه آن را ارائه کرده است، نام آوه در جنوب ساوه ذکر شده که دلیل اهمیت این شهر در آن زمان محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که در این زمان شاهان سلجوقی اداره بخشی از دیار کوهستان یا جبال را که شامل آوه نیز می‌گردد، به یکی از شاهزادگان می‌سپردند. با ضعیف شدن سلجوقیان بر اثر اختلافات مداوم اتابکان و حکام آن‌ها، خوارزمشاهیان که در اواخر قرن ششم ه.ق. قدرت را در منطقه خوارزم به دست گرفته بودند، شروع به دخالت در امور داخلی آنان در نقاط مختلف، از جمله جبال کردند. پس از استقرار مغولان در ایران، آوه، ساوه و جهرود در زمره مضافات قزوین قرار گرفت (مستوفی، ۱۳۵۸: ۷۷)، از مهم‌ترین حوادث



نقشه ۱. آوه در نقشه استان جبال و گیلان و مازندران (اطلس تاریخی ایران، ۱۳۵۰)



تصویر ۲. وسعت شهر آوه و حفاری‌های غیرمجاز انجام شده در اطراف آن (الویری، ۱۳۷۹: ۱۳۵)



تصویر ۳. نمای غربی تپه آوه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۶)

شده‌اند و مجدداً شبکه‌های ۲۰۰*۲۰۰ متر به ترانشه‌های ۱۰*۱۰ و با اعداد رومی (XX-۱) و با محور شمالی-جنوبی با حروف لاتین (a-t) نشان‌گذاری شد (تصاویر شماره ۴).

این محوطه در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ به ترتیب در طی سه سال در سه ناحیه: ضلع جنوبی ارگ (لبه شیب ارگ) JXIX و در محوطه شارستان (ضلع جنوب ارگ) بعد از خندق با علامت sq-II-XIX و در اطراف امامزاده فضل ابن سلیمان به منظور نجات بخشی بررسی و کاوش شد.

در نخستین فصل کاوش و همزمان در ترانشه sq.11-JXIX بر روی تپه و در ترانشه sq-18-BXIX بعد از خندق (در شهر) با در نظر گرفتن موقعیت آنها در محور شمالی-جنوبی نخ کشی و کاوش در این قسمت آغاز شد. این دو واحد ۱۱۰ متر از همدیگر فاصله دارد. بعد از رسیدن به خاک بکر دو ترانشه دیگر به شماره‌های sq. 11-KXIX و sq. 18-AXIX کاوش شده است.

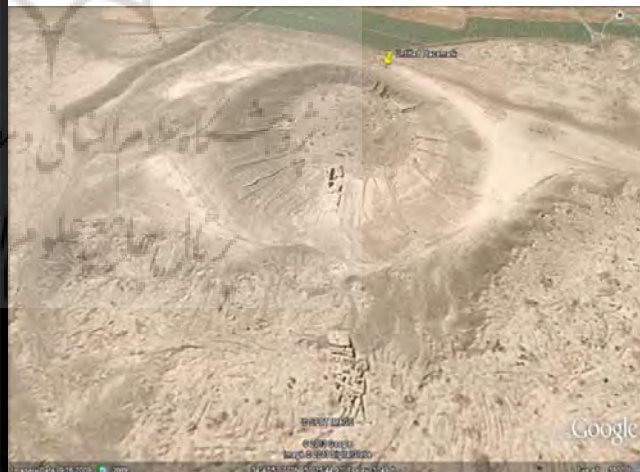
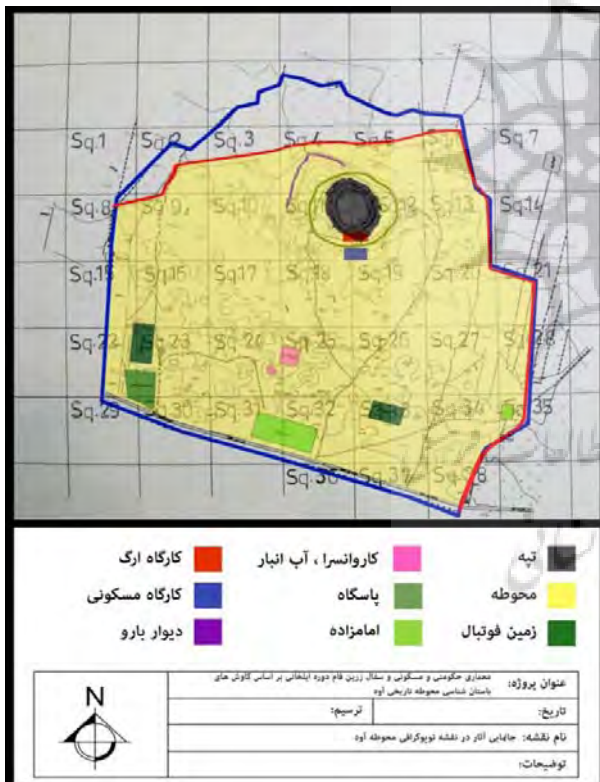
فصل بندی کاوش آثار معماری آوه

بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده کاوش محوطه باستانی آوه بنا بر ضرورت با مجوز سازمان میراث فرهنگی کشور در دو محدوده متمرکز گردید و دو فصل بر روی آن کاوش صورت گرفت:

- ۱- شارستان (برای مشخص کردن عناصر شهری).
- ۲- ارگ (برای بیرون کشیدن ارگ در بالای تپه).

روش کاوش

بر اساس بررسی‌های علمی باستان‌شناسی بیش از ۲۲۰ هکتار از شهر وسیع باستانی آوه، شناسایی، تعیین حریم و ترانشه بندی شد. این محوطه ۲۲۰ هکتاری بر اساس نقشه عارضه‌نگاری که توسط دانشگاه اراک و به سفارش میراث فرهنگی استان مرکزی تهیه گردیده بود در ابتدا به شبکه‌های ۲۰۰*۲۰۰ متر و با علامت‌های sq و از شماره ۱ تا ۳۸ تقسیم و علامت‌گذاری



تصاویر ۴. راست: عکس هوایی از ترانشه‌های کاوش در ارگ و شهر آوه (گوگل ارث، ۱۳۸۵)، چپ: نقشه ۱-۲: توپوگرافی و شبکه‌بندی محوطه باستانی آوه (نگارنده)

بارو

در ضلع شمالی و تقریباً تمامی ضلع شمالی-غربی تپه که البته تخریب و شسته شده خشت‌های قسمت‌های بالای آن، فرمی تپه مانند ولی باریک و طولی به آن بخشیده است. این بارو در بخش شمالی با حریم تعیین‌شده، هم‌مرز است.

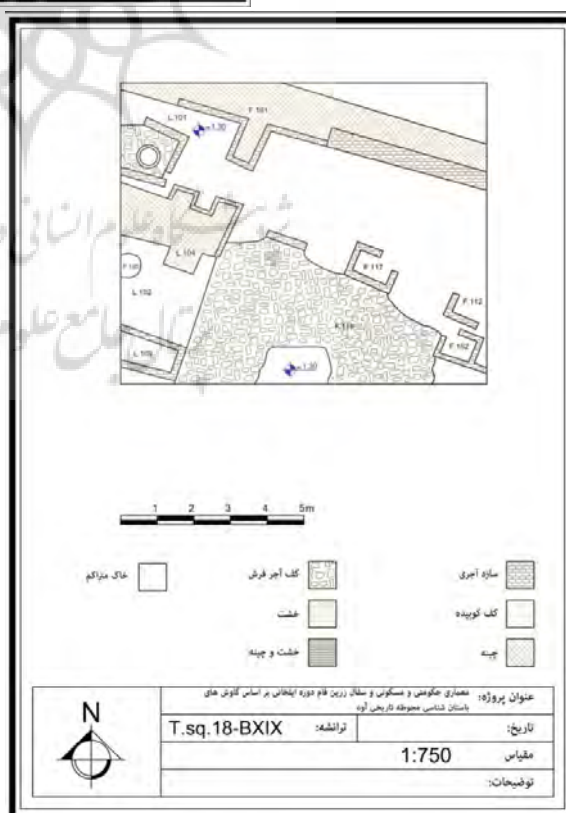
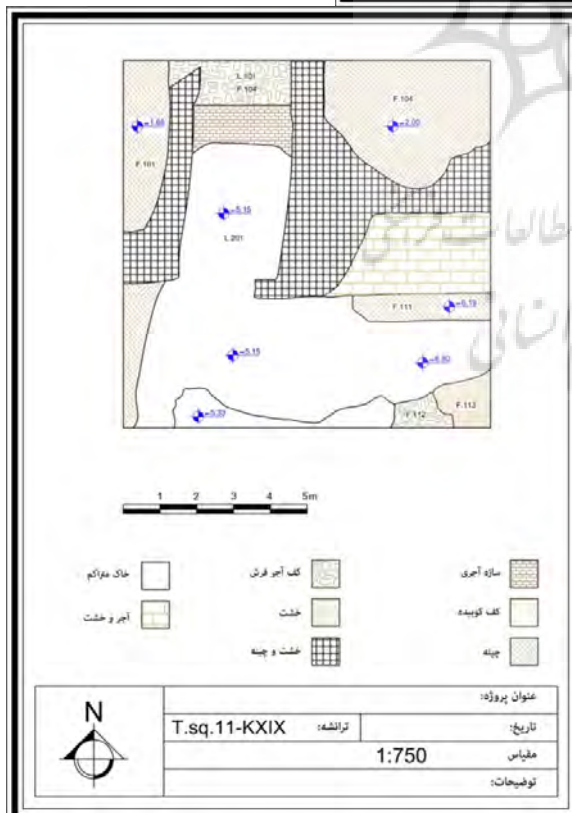
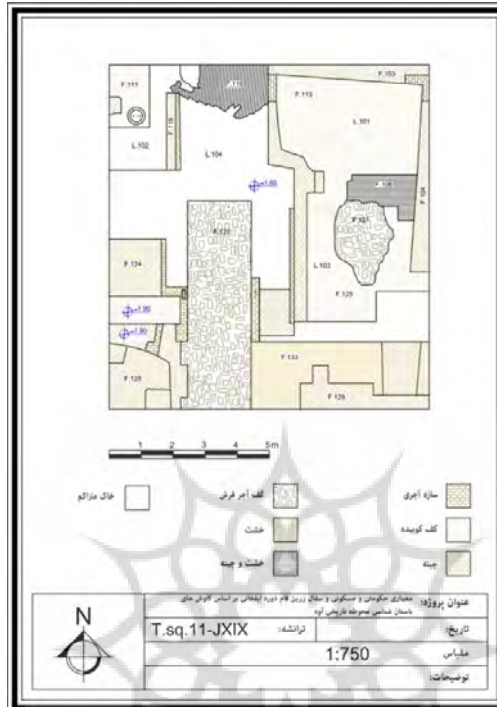
آثار محوطه باستانی آوه

در حال حاضر ۲۲۰ هکتار از شهر وسیع دوران اسلامی آن شناسایی و تعیین حریم شده است. آثار محوطه عبارت اند از:

ارگ شاهی

برای خارج کردن ارگ شاهی در این محوطه ی باستانی سه ترانشه در امتداد هم در دو فصل متوالی حفاری گردید بر اساس کاوش‌های انجام شده دو دوره معماری نمایان شد که دوره اول

به دوره بعد از ایلخانیان و دوره دوم مربوط به دوره ایلخانیان بود. ترانشه‌های دوم و سوم که در امتداد ترانشه اول ایجاد گردیدند متعلق به دوره ایلخانی است (تصاویر شماره ۵).

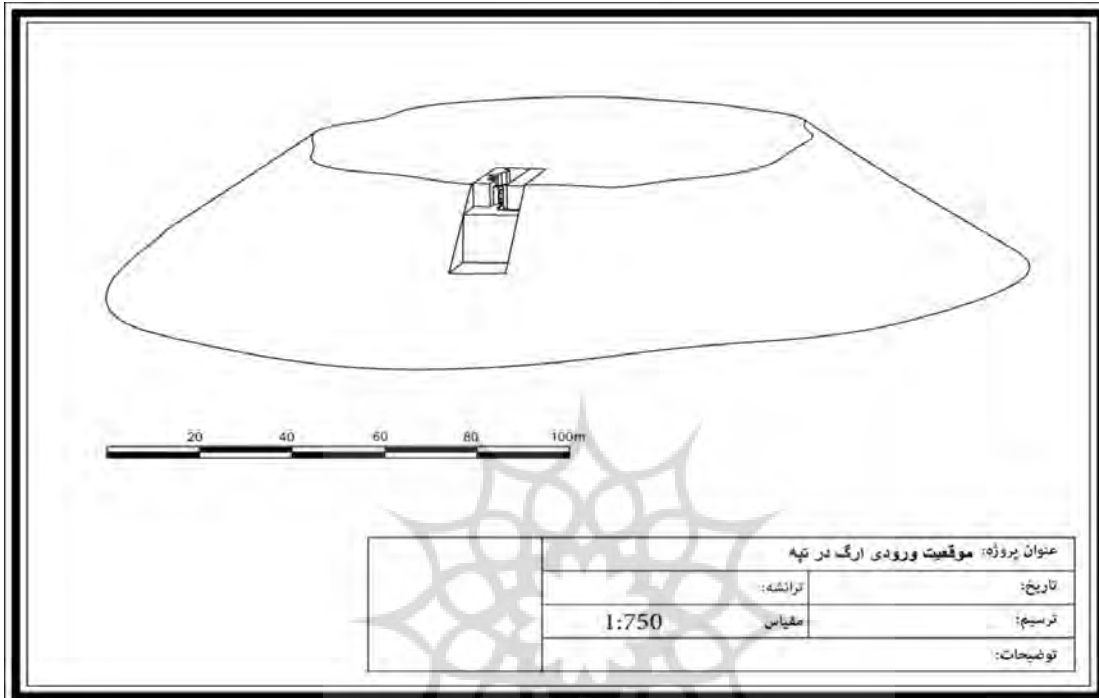


تصاویر ۵. بالا: پلان ترانشه ارگ (نگارنده) - پایین: پلان ترانشه دامنه تپه برای مشخص نمودن پشت درگاهی ورودی ارگ و مشخص نمودن لایه‌های فرهنگی موجود در تپه (نگارنده)

می‌کرده و دیواری دفاعی پس از خندق وجود داشته که بقایای بخش‌های شمالی و غربی آن هنوز قابل رویت است (تصویر شماره ۶).

تحلیل معماری پلان ارگ

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، شهر آوه در دوره ایلخانیان شامل یک ارگ حکومتی بر فراز تپه‌ای بوده است (نقشه شماره ۲). خندقی عریض و عمیق ارگ را از شارستان جدا



نقشه ۲. موقعیت ارگ بر روی تپه (نگارنده)



تصویر ۶. شیب تپه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

سمت غرب و شمال غربی به تپه نگاه می‌کنیم می‌توانیم سایه شیب‌راهی که در شمال غرب تپه، از دشت برخاسته و یا شیبی ملایم به دروازه ورودی در سمت جنوب ختم می‌شده است را

شارستان در اطراف ارگ شکل گرفته و وسیع‌ترین بخش آن در جنوب ارگ و خندق بوده است. دست‌یابی به ارگ به دلیل شیب تند حتی امروز هم دشوار است. اگر از زاویه‌ای درست در

ضخامت رو به عقب نشسته فضای پاگردی ماندی با ابعاد $۲۸۰ * ۳۵۰$ سانتیمتر ایجاد شده است. جرزهای دو طرف دروازه با سنگ تراشیده به حالت یک چهارم دایره چیده شده است و به دیوار و بارو تکیه دارد سقف بالای جرزها با حدود ۸۵ سانتیمتر ضخامت با آجرهای $۵ * ۲۵ * ۲۵$ سانتی متر و به صورت نره چینی به شکل جناغی ساخته شده است (تصویر شماره ۸).



تصویر ۸. پاگرد قبل از ورودی ارگ (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

درگاهی ورودی دروازه ۱۹۰ سانتیمتر عرض داشته و آستانه‌ای ساخته شده از تخت سنگ دارد. این آستانه ۱۰ سانتی متری بلندتر از کف پاگرد بیرونی بوده است (تصاویر شماره ۹). با عبور از دروازه به دالانی می‌رسیم که دیواره‌های آن از آجر ساخته شده است (تصاویر شماره ۱۰). این فضا به احتمال قوی مسقف بوده که امروز نشانی از آن بر جا مانده است.

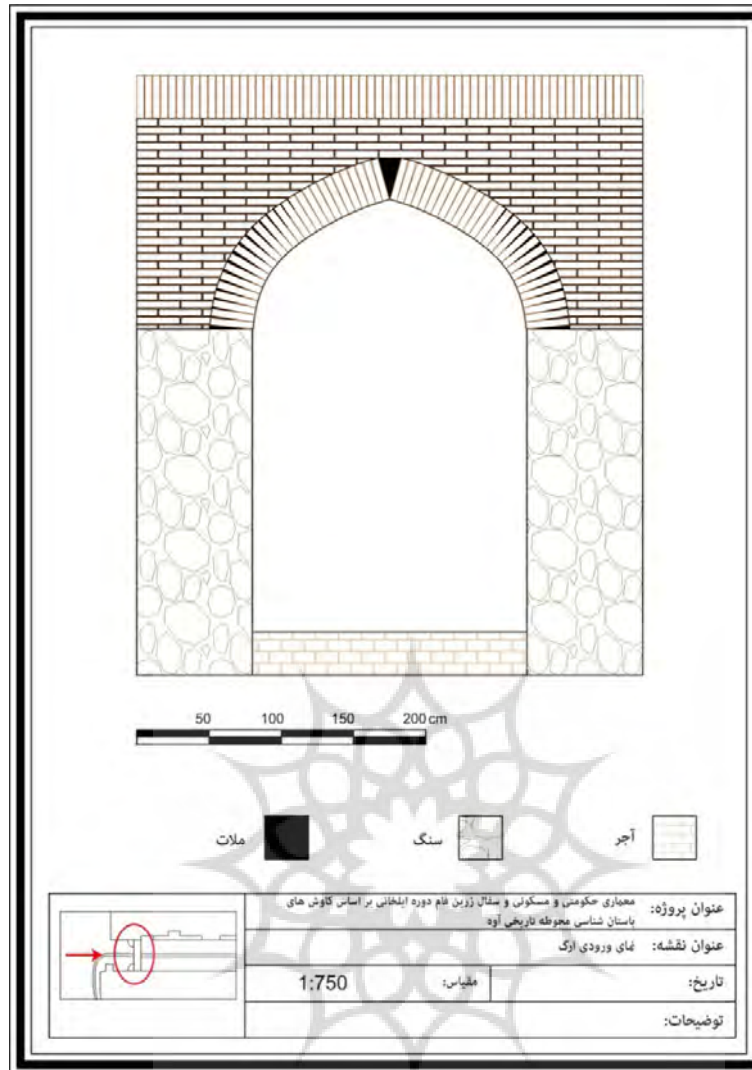
کف دالان مفروش بوده و در زیر فرش آجری-سنگی آن آبراهی وجود داشته که کف و بدنه‌ی دو طرف آن با آجرهای بزرگ و به دقت چیده شده و پس از آن با چرخشی ۹۰ درجه و با شیبی ملایم به سمت شرق ادامه یافته و در دیواره کاوش نشده ترانشه جانبی ناپدید شده است (تصاویر شماره ۱۱).

ملاحظه کنیم. کاوش‌های جلوی دروازه مشخص کرد که در انتهای شیب راه در جلوی دروازه ورودی ارگ، سکویی از خشت خام ساخته شده بوده که تمامی عرض ده متری ترانشه را شامل می‌شده و تا عمق زیادی نفوذ کرده است (تصویر شماره ۷).



تصویر ۷. قسمت سکوی جلوی ورودی ارگ (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵).

به واسطه قرار داشتن سکوی مورد بحث در لبه تپه، در این چند قرن، باد و باران لبه‌های جنوبی آن را شسته و خشت‌ها را فرسوده کرده است. این فضای باز جلوی دروازه ورودی بوده و احتمالاً تشریفات مربوط به ورود و خروج از ارگ در این مکان صورت گرفته است. باروی دور ارگ بیش از شش متر ضخامت داشته و تماماً از خشت بوده که بعضاً از رگه‌هایی از آجر برای شاقول کردن تمامی بیرونی بارو استفاده شده بود. دروازه ورودی ارگ که در حد نصف



تصاویر ۹: بالا: بازسازی درگاهی ورودی ارگ (نگارنده) - پایین: جزوهای طرفین دروازه با طاق جناغی (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵).



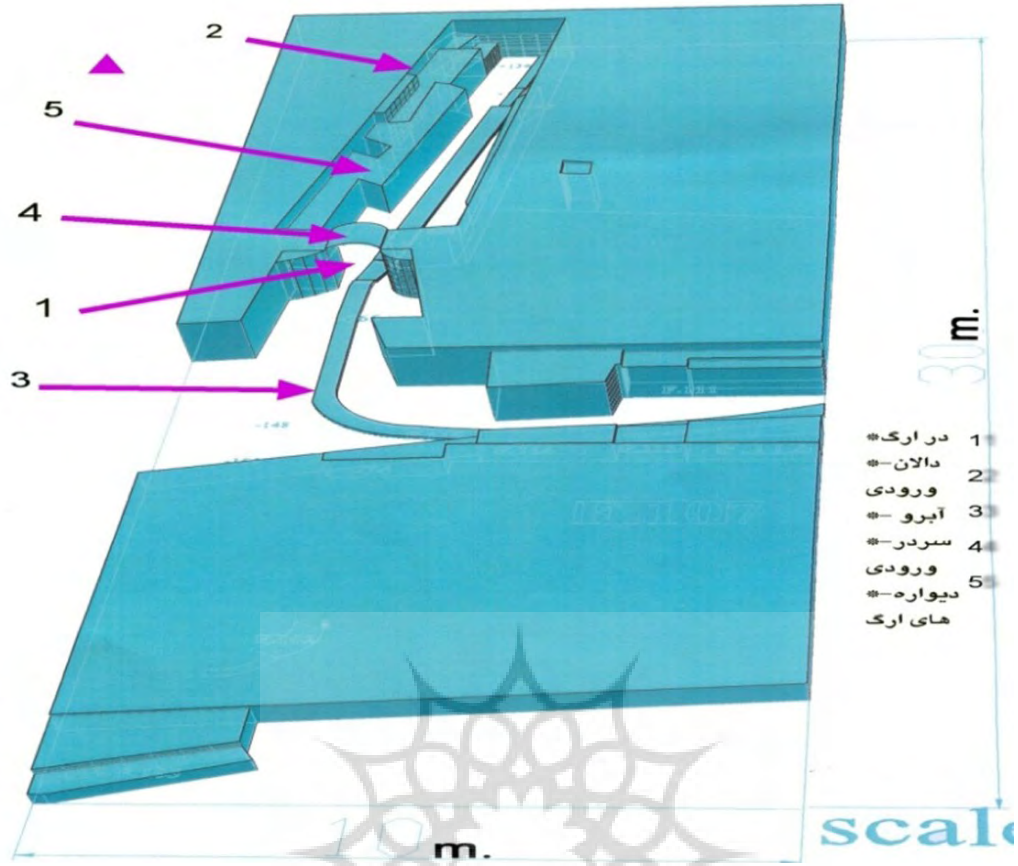
تصویر ۱۰. نمای داخلی دالان ارگ بعد از دروازه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵) - نمای دالان و دیواره‌های جانبی (همان)



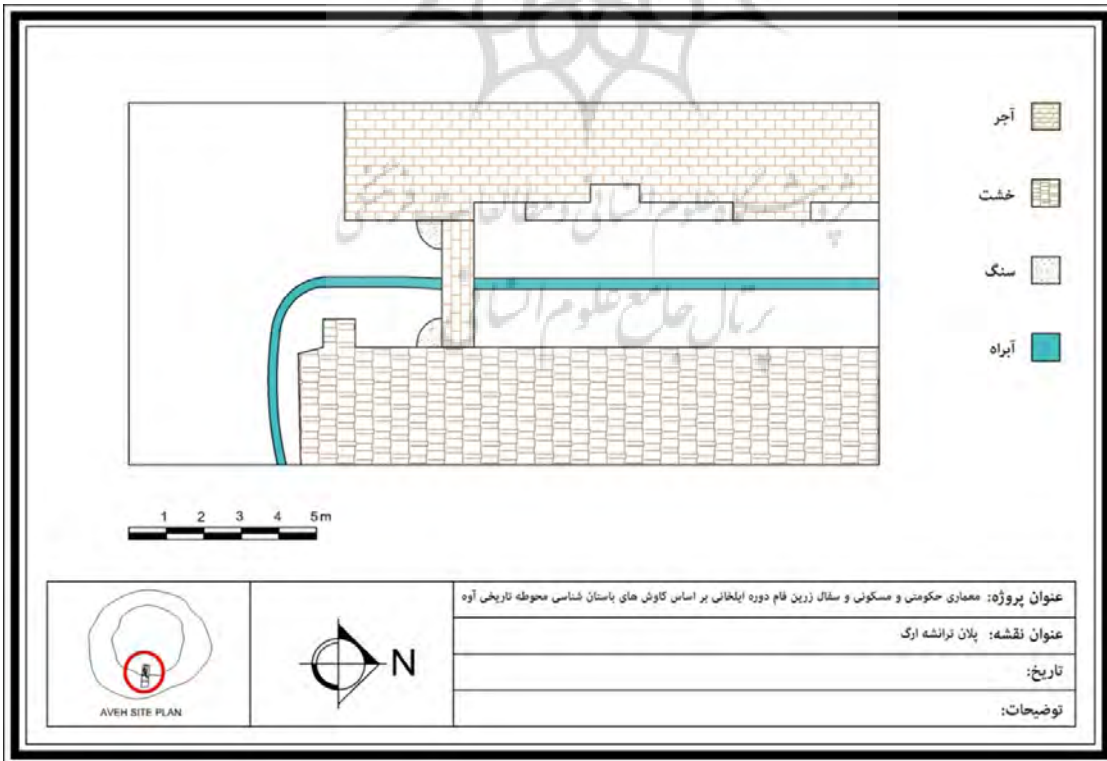
تصاویر ۱۱: انتهای آبرو به شرق و خارج از ارگ (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

مغول بر جای نمانده است که بتوان با ارگ آوه مقایسه نمود و کاربرد و شکل فضاها را دریافت (نقشه‌های ۳ و ۴). حتی در متون تاریخی نیز نام و نشانی از حکامی که در این ارگ ساکن بوده‌اند بر جای نمانده است.

این آبراه احتمالاً آب باران و غیره را از داخل ارگ به بیرون هدایت می‌کرده است. ادامه دالان ورودی و نحوه دسترسی آن به حیاط و سایر فضاهای ارگ به دلیل عدم کاوش مشخص نیست. متأسفانه هیچ ارگ یا کهن دژی مشابه از دوران



نقشه ۳: پلان آبراه ارگ (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)



نقشه ۴: پلان آبراه ارگ (نگارنده)

شارستان شهر آوه

تحلیل معماری خانه ایلخانی آوه

جنوب قلعه تپه و پس از خندق دور آن، ترانشه ای مجاور با ترانشه ارگ نخ کشی و کاوش شد با گسترش کاوش در اضلاع مختلف ترانشه بقایای یک باب خانه مسکونی از زیر خاک بیرون آمد که در نوع خود بی نظیر است (نقشه شماره ۵). این خانه حدود یک صد مترمربع مساحت دارد.

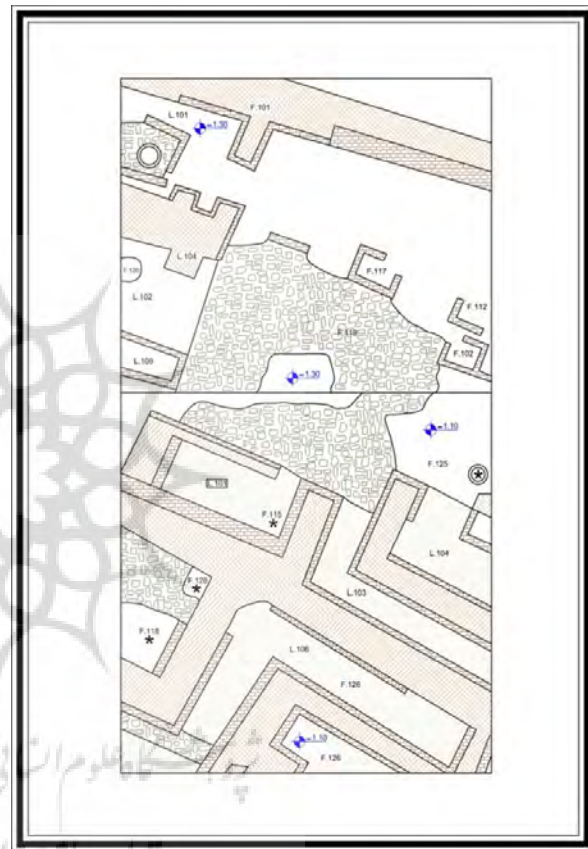
در سمت راست دالان مستراحی وجود داشته است که در آن به حیاط باز می شده است و چاه آن توسط حفاران غیره مجاز تخلیه شده بود (تصویر شماره ۱۲).



تصویر ۱۲. مستراح خانه آوه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

در سمت چپ دالان آشپزخانه‌ای وجود داشته که کف آن با خاک کوبیده ساخته شده و تقریباً در وسط فضای آن یک دیگ سفال کار گذاشته شده بود که لبه‌های آن با کف تراز شده و دارای سوراخی به طرف چاهی بوده که در حدود ۵۰ سانتی‌متر آن قرار داشته است. شاید این کار سعی در ایجاد حالتی شتر گلو مانند میان چاه و سوراخ آبریز کف آشپزخانه بوده و مانع پخش شدن بوی نامطبوع چاه می شده است. (تصویر شماره ۱۳).

چاه آشپزخانه دست‌نخورده بوده و در عمق سه متری آن حفره‌ای به سمت جنوب دیده می شده که به چاه خانه همسایه در فاصله دو متری راه پیدا کرده بود. چاه خانه همسایه نیز دست‌نخورده بوده و حتی طوقه و سنگ حفره‌دار درپوش آن نیز در جای خود قرار داشت.



نقشه ۵. پلان دو ترانشه BXIX که در امتداد متعلق به خانه (نگارنده)

خانه در انتهای کوچه‌ای به عرض دو متر قرار گرفته و بر فراز بر آمدگی قرار دارد که گودال خندق، باعث آن است. در پشت دیواره شمالی خانه، دیواری وجود دارد که شاید به باروی شارستان تعلق داشته و آن را از ارگ خندق اطراف آن جدا کرده است. ساختمان خانه در سمت غرب کوچه قرار گرفته و درگاهی ورودی آن با یک پله قوسی از آجر از کف کوچه در حدود ۳۰ سانتی‌متر بالاتر بوده است. با عبور از درگاهی به دالان طویلی می‌رسیم که حدود یک متر عرض داشته و با چرخشی نود درجه به حیاط خانه راه داشته است. نحوه قرارگیری دالان به شکلی است که در صورت باز بودن در مانع دید از کوچه به داخل خانه شده است.



تصویر ۱۳. آشپزخانه با چاه که تغییر کاربری شده (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

با وجود دو جزء تقسیم‌کننده به حالت سه دری درآمده بود که در معماری دوره‌های صفوی و قاجار و اوایل پهلوی رایج بوده است. در دو سوی شرقی و غربی حیاط و ما بین دیوارهای اتاق و مستراح از یک طرف و اتاق و آشپزخانه از طرف دیگر، دو فضای برجای‌مانده بود که مسقف یا باز بودن سقف آن معلوم نیست ولی در جلوی مستراح یک اجاق و در جلوی آشپزخانه یک تنور کار گذاشته شده بود که احتمالاً به پخت و پز در فصول گرم تعلق داشته است (تصویر شماره ۱۵).



تصویر ۱۵. تنور حیاط آوه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

شناسایی صدها تکه سفالی و ابزارهای دیگر پیدا شده از چاهها تردیدی باقی نمی‌گذارد که این ساختمان متعلق به دوره ایلخانی است (تصاویر شماره ۱۶) (نقشه‌های شماره ۵ و ۶).



تصاویر ۱۶. راست: ظروف سفالی پیدا شده در چاه آشپزخانه- چپ: قاشق فلزی با همراه ابزار فلزی دیگر (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

این آشپزخانه جز فضاهایی است که پس از دوره مغول سر پا مانده و در استقرار بعدی، کف آن را در حدود شصت سانتی‌متر بالا آورده و سپس دیوار را با گچ سفید کرده بودند تا به عنوان یک اتاق مسکونی مورد استفاده قرار گرفته است. بقایای آثار این اتاق کاملاً در سطح قرار داشته و نشانه آن بلافاصله پس از تمیز کردن ترانشه آشکار شد و به همین دلیل نیز بیش‌ترین آسیب را از فعل و انفعالات لودرها متحمل شده بود. حیاط خانه با ابعاد حدود ۵۵۰*۳۵۰ سانتیمتری کاملاً آجر فرش و احتمالاً روباز بود (تصویر شماره ۱۴).

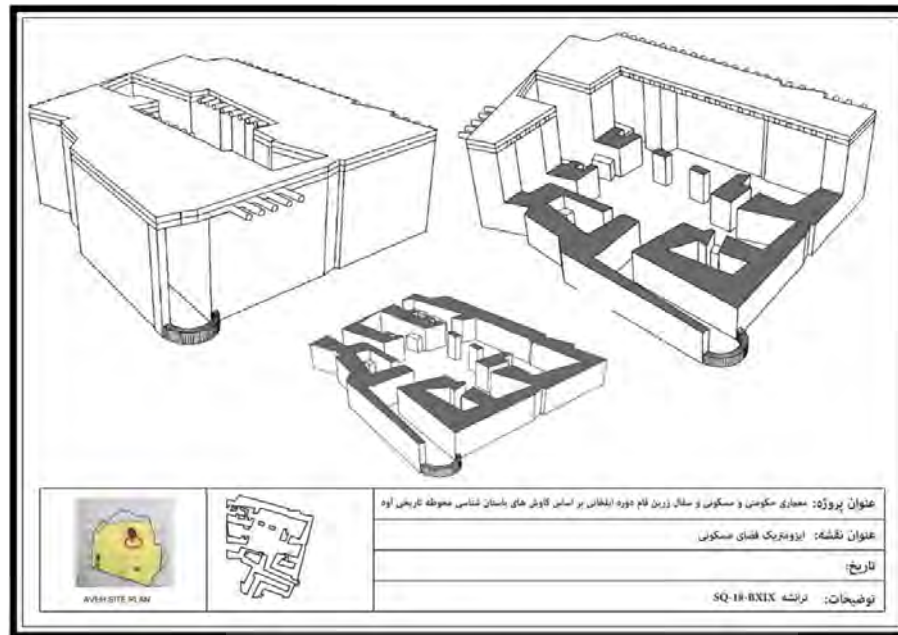


تصویر ۱۴. حیاط خانه آوه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

بخش میانی حیاط توسط حفاران غیرمجاز در جستجوی چاه مورد تجاوز قرار گرفته بود. در شمال حیاط و در بخش انتهایی خانه اتاقی مستطیل شکل تمام ضلع شمالی را به خود اختصاص داده بود. این اتاق در حدود ۳ متر عرض و ۱۴ متر طول بود که در سمت غرب با دیوار خشتی پستویی ایجاد شده و از طول غیرعادی اتاق کاسته بود. کف اتاق با خاک کوبیده ساخته شده و نور آن از اطراف حیاط تأمین شده است. این درگاهی و پنجره‌ها



کاسه‌ها



نقشه ۵. پلان نهایی خانه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵) - نقشه شماره ۶: برش فضای مسکونی آوه (نگارنده)

آجر:

۱- اولین ساختار آجری مرتبط با ارگ را در تاج سردر ارگ می‌توان دید ابعاد این آجرها ۳*۱۴*۱۴ سانتیمتر است. ۲- استفاده در نمای بارو برای استفاده به عنوان خط طراز ۳- دیوار غربی دالان ارگ. ۴- استفاده از آجر برای پشتیبان در بارو نزدیک دروازه ارگ ۵- استفاده در کف راهرو ارگ به ابعاد ۵*۲۵*۲۵ سانتیمتر ۶- استفاده از آجر در دیواره آبرو ارگ به ابعاد ۵*۲۴*۲۴ سانتیمتر.

مصالح به کاررفته در معماری ارگ و خانه‌های ایلمانی آوه

شهر قدیم آوه با توجه به قرار گرفتن در حاشیه کویری مسلماً تأثیراتی را از اقلیم پذیرفته است. در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی مصالح بکار رفته، شیوه‌های و تکنیک‌های کاربردی در بناها و معماری آن‌ها شرح داده شود. ممکن است مصالح بیشتری در ساخت بنای شهر و ارگ مورد استفاده قرار گرفته باشد اما آنچه در ادامه بیان می‌شود چیزی است که در جریان کاوش نمایان شده است. مصالح بنا به میزان کاربرد عبارت‌اند از:

خشت:

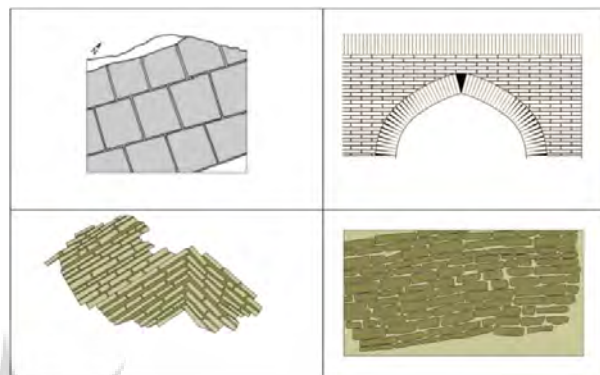
بیشترین کاربرد خشت را در ارگ در بارو می‌توان دید. ابعاد خشت‌ها $۳۰ * ۳۰$ و $۴۵ * ۴۵$ است. علاوه بر کاربرد در باروها در دیواره شرقی و غربی دالان ارگ نیز دیده می‌شود. خشت‌های دیوار دالان $۳۵ * ۳۵$ سانتیمتر است. خشت در بیشتر جاها به همراه چینه کاربرد داشته است (تصاویر شماره ۱۷).

چینه:

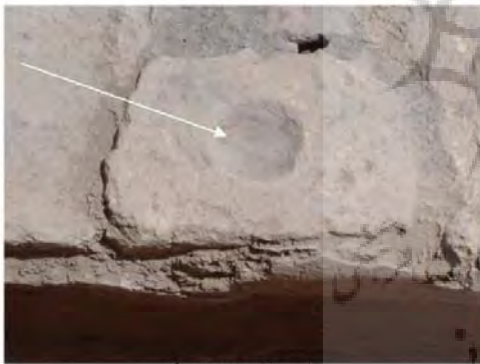
استفاده از خشت تقریباً در ترکیب با سایر مصالح در دیوارها و بارو و به همراه دیوار خانه در شار دیده می‌شود. مواد تشکیل‌دهنده این چینه‌ها همیشه مخلوطی از سنگ و کاه و مواد چسبنده است که به استحکام دیوار کمک می‌کند.

سنگ:

سنگ همیشه در بناهای سنتی در استحکامات پی‌سازی و کرسی چینی بنا استفاده شده است. در خانه ایلخانی آوه در پی بنا و ازاره‌ها دیده می‌شود و در چندین مورد در کرسی‌سازی و همچنین در دالان ورودی خانه به دست آمده از شار به عنوان سنگ‌فرش استفاده شده است. ابعاد این سنگ‌ها به دلیل متفاوت بودن اشکال آن‌ها متفاوت است این ابعاد $۱۵ * ۳$ ، $۱۵ * ۱۰ * ۳$ ، $۱۴ * ۳$ ، $۱۰ * ۱۰ * ۳$ سانتیمتر است. از سنگ علاوه بر استفاده قلوهای در شفته و پی ریزی بارو در لابه‌لای آن هم دیده می‌شود. طرفین جرزهای ورودی ارگ، برای پوشش سطح آبراه ارگ و همچنین برای پاشنه در ارگ، از سنگ‌های بزرگ به ابعاد $۴۵ * ۴۵ * ۶$ ، $۶۵ * ۶۰ * ۶$ ، $۶۰ * ۶۰ * ۵$ ، $۴۰ * ۴۰ * ۵$ سانتیمتر استفاده شده است (تصاویر شماره ۱۸).



تصاویر ۱۷. نمونه تکنیک‌های آجرکاری و خشت‌های بکار رفته در معماری ارگ و خانه (نگارنده)



محل چرخش پاشنه در ارگ



تصاویر ۱۸. راست، سنگ‌فرش راهرو خانه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵) چپ: سنگ پاشنه در (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

آهک:

استفاده از ملاط آهک در بناهای آوه بسیار است و با توجه به این که از مصالح اصلی است دارای انواع گوناگون و کاربرد متفاوت است. از جمله، ملاط گل: برای کاربردهایی چون پر کردن فضاهای خالی بین دیوارها و کف کوبیده به تنهایی و به همراه آهک در پی‌سازی دیوارهای خانه‌ها و با سنگ برای استحکام باروها و کرسی‌سازی استفاده شده است.

عناصر تزئینی بکار رفته در معماری آوه:

در دوره ایلخانی برای پوشش و تزئین دیوارهای بناها، غالباً از کاشی و گچبری بصورت‌های ساده و یا رنگی استفاده می‌کردند. نمونه‌های فراوانی از چنین تزئیناتی در بناهای ایلخانی آوه نیز بدست آمده که در ادامه به آن می‌پردازیم؛

گچ

نوع استفاده از گچ با توجه به شرایط اقلیمی متفاوت است. در بناهای سنتی در برخی اقلیم‌ها هم برای تزئین و هم به عنوان ماده چسبنده و ملاط با سنگ در دیوارها استفاده می‌شد، در

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی، در مورد سازمان فضایی آوه با استنباط از نتایج حفاری و کاوش می‌توان بیان داشت که این شهر، از دو بخش "هسته (ارگ)" و "شهرستان" تشکیل شده است. یک نقطه‌ی مستحکم با حصارهای ویژه و احتمالاً بر مرتفع‌ترین محل شهر که رأس قدرت در آن قرار می‌گرفت. به این نقطه نام‌هایی چون کهن دژ یا ارگ می‌دادند. محوطه‌ای نسبتاً وسیع در اطراف و یا در یکی از کناره‌های نقطه‌ی فوق‌الذکر که عمدتاً محل اقامت بزرگان و اقشار متوسط شهری (پیشه‌وران) و استقرار فضاهای خدماتی شهر بود. این محوطه را با نام‌هایی چون شار یا شارستان یا شهرستان می‌شناختند و عموماً برج و باروها و حصارهای شهر آن را احاطه می‌کرد محوطه‌ی بیرون از حصارهای شهر که محل سکونت اقشار فقیر و عموماً روستایی بود و نسبت به شهر جنبه‌ی حاشیه‌ای داشت، اما اهمیت آن در دوره‌های مختلف بسیار متفاوت بود. این بخش را با نام‌هایی چون شار بیرونی، سواد، یا حومه می‌شناسیم.

از سویی دیگر، بر اساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، عوامل متعددی را می‌توان در شکل‌گیری شهر آوه، دخیل دانست که مهمترین آنها عبارتند از؛

الف: عوامل جهان بینی: نوع نگرش مذهبی (گرایش به تشیع) در قرون سوم و چهارم و تا اوایل دوره تیموری سبب اهمیت هرچه بیشتر آوه و در نتیجه استقرار در این منطقه شد. وجود امامزاده‌هایی از جمله، امامزاده فضل بن سهل، امامزاده پیغمبر و... در این منطقه و اوج تمایلات مذهبی ایلخانیان در این قرون، خود حکایت از چنین نگرشی و تأثیر آن در ساخت شهرها و اماکن مختلف دارد.

ب: عامل اقتصادی: این منطقه در سر راه جاده مواصلاتی سلطانی به قم و اصفهان و جنوب ایران و همچنین بر سر راه زائرین حجاج خراسان قرار داشته است. این اهمیت مواصلاتی حتی در دوره‌های بعد با ساخت کاروانسرای از دوره صفوی در این منطقه خود را نشان می‌دهد.

ج: عامل محیط زیست و اقلیم: ارتفاعات سه جانبه شمال و غرب و جنوب و حاشیه کویری از یک طرف و رودخانه بزرگ قره چای یکی از مهمترین عوامل در انتخاب چنین مکانی برای احداث شهر آوه بوده است. بنظر می‌رسد، استقرار در کنار رودخانه و گسترش این شهر تا حاشیه رودخانه در گذشته از عوامل اصلی موجودیت این شهر بوده است.

همانگونه که بیان شد، وسعت شهر آوه بیش از ۲۲۰ هکتار است که این خود، می‌تواند حاکی از اهمیت شهر و رونق و فراوانی فعالیت موجود در آن باشد. موقعیت ارگ در منتهی‌الیه شمالی شهر انتخاب شده بود. مراکز جمعیتی، با توجه به فراوانی

معماری آوه از گچ، در زیر طاق جناغی سردر ارگ بر روی آجر، بر روی جزه‌های طرفین ورودی ارگ بر روی سنگ، بر روی دیوار آشپزخانه خانه در شارستان و نیز قسمتی از دیوار داخلی ارگ که بر روی آن نوشته و نقش وجود دارد برای تزئین و همچنین برای تسطیح کف خانه‌ها استفاده شده است (تصویر شماره ۱۹).



تصویر ۱۹. گچ کاری سردر ارگ (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

کاشی

از دیگر یافته‌های بااهمیت و شاخص در محوطه آوه کاشی‌های زرین‌فام است. این کاشی‌ها در اطراف قبری در امامزاده فضل بن سلیمان آوه به کار رفته بود (تصویر شماره ۲۰). تاریخ به دست آمده بر روی یکی از کاشی‌ها تاریخ ۶۸۴ هجری را نشان می‌دهد که برای تاریخگذاری منطقه بسیار حائز اهمیت است.

این کاشی‌ها بصورت خشتی و هشت پر در دیواره‌های عمودی گورها که به شکل مربع بودند به دست آمدند. بیشتر این کاشی‌ها دارای آیاتی از قرآن کریم هستند. این در حالی است که قطعات به دست آمده از ارگ و امامزاده عبدالله آوه، در حاشیه خود اشعار فارسی به خصوص از شاهنامه فردوسی نیز دارند.



تصویر ۲۰. محل پیدا شدن کاشی‌های زرین‌فام آوه (خطیب شهیدی، ۱۳۸۵)

در تزئین کاشی‌های هشت پر علاوه بر گل و گیاه و نقوش اسلیمی از نقش انسان، پرنده و جانوران مختلف استفاده شده است. در بین نقوش حیوانات نقش پرنندگان، بیشتر بچشم می‌خورد. تکنیک تزئینی بکار رفته در این کاشی‌ها، به دو صورت زمینه سفید با نقش زرین‌فام و زمینه زرین‌فام با نقش سفید است.

می‌توان منطقه ای حاکم نشین محلی و البته تحت نظارت مرکزی و مستقیم ایلخانیان در نظر گرفت).

مکان احتمالی مسجد و بازار و دیگر عناصر شهری چون روضه تا کاوش‌های سامانمند صورت نگیرد، قابل تشخیص نیست. بقایای حصار و خندقی که در سطح محوطه به ثبت رسیده، حکایت از اهمیت تجاری و نظامی این شهر و نقشه از پیش تعیین شده در ساخت آن را دارد.

در نهایت باید گفت، مطالعه داده‌های سطحی، سابقه سکونت در این محوطه را به دوره‌های قبل از اسلام هم می‌رساند. با توجه به اختلاط سفال‌های دوره‌های پیش از تاریخی و تاریخی با سفال‌های دوران اسلامی در اکثر بخش‌های این محوطه دیده شده، احتمالاً شهر اسلامی در همان مکان قبلی خود یعنی محدوده شهر قبلی ادامه حیات داده و دوره انتقالی را پشت سر گذاشته و تحولات مربوط به شهرسازی دوره اسلامی در آن اعمال شده است.

قطعات سفالی استنتاج شده، در دو سوی غربی و جنوبی ارگ واقع شده‌اند (این امر خود می‌تواند نشان از فعالیت‌های مختلف تجاری و پیشه‌وری و .. در این قسمت‌ها باشد). جهت شهر در محوطه به تبعیت از جهت شمال غرب- جنوب شرق را نشان می‌دهد (گرایش به سمت ساوه را نشان می‌دهد). بر طبق مطالعات صورت گرفته شهرهایی با این ساختار معمولاً بدور نقاط کلیدی و مرکزی یعنی همان ارگ شکل می‌گیرند و گسترش آنها تحت تأثیر مستقیم راه‌های ارتباطی و تجاری قرار دارد.

هرچند محوطه مورد بحث شهری است که در فاصله اندکی از شهر مجاور خود (ساوه) شکل گرفته، لیکن وجود این قلعه موید آن است که این محوطه از هر نظر مستقل بوده و از یک کالبد شهری کامل با عناصر و اجزای مربوطه البته در مساحتی کمتر شاید نسبت به شهر ساوه و مکانی حکومتی بوده است. (با توجه به وجود حاکمان محلی بی‌شمار در دوره ایلخانیان، این شهر را نیز

جدول ۱: داده‌های شهرسازی آوه (نگارنده)

ردیف	نوع داده	آوه قدیم
۱	سابقه	اسلامی- ایلخانی
۲	مکان مشخص برای دوره ایلخانی	شمال روستای فعلی آوه
۳	مکان مذهبی در دوره سلجوقی - ایلخانی	امام‌زاده فضل بن سلیمان آوه
۴	وسعت تقریبی	بیش از ۲۲۰ هکتار
۵	موقعیت ارگ حکومتی در شهر	منتهی‌الیه شمال شهر
۶	مراکز جمعیتی بر اساس فراوانی سفال	غرب و جنوب ارگ
۷	الگوی رشد و گسترش شهر	مذهبی-اقتصادی (بین راهی) اقلیمی (کنار رودخانه)
۸	جهت (رون) شهر	شمال غربی - جنوب شرقی (رون اصفهان)
۹	بارو و حصار و خندق	دارد
۱۰	مکان بنای مذهبی (احتمالاً مسجد)	نامشخص (نیاز به کاوش)
۱۱	زمان ترک شهر	تیموری
۱۲	نوع شهر	ارتباطی (بین راهی) و مذهبی
۱۳	منبع تأمین آب	قنات و رودخانه
۱۴	دوره رونق	قرون چهارم تا هفتم هجری
۱۵	دوره زوال	اواخر ایلخانی و اوایل تیموری
۱۶	خندق دور ارگ	دارد
۱۷	ابعاد ارگ	۲۰۰×۲۰۰
۱۸	جهت ارگ	شمال - جنوب
۱۹	موقعیت منطقه کارگاهی	در منتهی‌الیه شمال محوطه
۲۰	شواهد وجود کارگاه سفالگری	هنوز موجود نیست

پی‌نوشت

1- āveh

۲- بدست آوردن مدارک و شواهدی از قسمت دیگر شهر یعنی ریبض نیازمند انجام مطالعات میدانی بیشتری است.

فهرست منابع

- ابن حوقل (۱۳۶۶)، صوره الارض، ترجمه شعار، جعفر، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- اشمیت، ف (۱۳۷۸)، پرواز بر فراز شهرهای ایران. ترجمه: شیشه‌گر، آرمان، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- اصطخری (۱۳۴۰)، مسالک الممالک، به کوشش، افشار، ایرج، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- اطلس تاریخی ایران، تألیف جمعی از اساتید، (۱۳۵۰). انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- الویری، محسن (۱۳۷۹)، مروری بر جغرافیای تاریخی آوه، نشر امید دانش، تهران.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۶)، معماری ایران، مترجم، صدرافشاری، غلامحسین، نشر اختران، تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۷)، از شار تا شهر، نشر کوبه، تهران.
- خطیب شهیدی، حمید (۱۳۸۵)، گزارش اولین فصل کاوش محوطه تاریخی آوه. کتابخانه پژوهشکده باستان شناسی، تهران.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، ساختار حیات شهری در عصر ایلخانیان، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۳، صص. ۱۷-۴.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۳)، سرزمین و مردم ایران، نشر آرام، تهران.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲)، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، نشر آگاه، تهران.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۷)، تاریخ اولجایتو، به تصحیح، همبلی، مهین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- مختاری طالقانی، ا (۱۳۷۶)، تحلیل آماری بررسی‌های باستان شناسی منطقه ساوه، یادنامه گردهمایی باستان شناسی شوش، جلد اول، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- مستوفی، حمدالله بن بی‌بکر (۱۳۵۸)، نزهة القلوب، به اهتمام: گای لسترنج، دنیای کتاب، تهران.
- مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۳)، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات علم و صنعت ایران، تهران.
- ناشناس (۱۳۵۳)، حدودالعالم من المشرق الی المغرب، به کوشش، ستوده، منوچهر، کتابخانه طهوری، تهران.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ کی‌نژاد، محمدعلی؛ بلالی اسکویی، آریتا (۱۳۹۱). سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی، فصلنامه مطالعات معماری ایران، شماره ۲، صص. ۶۳-۴۷.
- هاشمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۶)، آداب سفر زیارتی حج در آوه، مجله نجوای فرهنگ، شماره ۴، صص. ۱۲۵-۱۳۰.
- Solt M (1993), Timurid Central Asia And MuGhal India, Scholl of Artitecture, CEPT, India
- Wilber DN (1939), The Development of Mosaic Faience in Islamic Architecture in Iran, Ars Islamic, Vol. 6.